



سه‌شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۲۹۲

بین‌الملل

در عین حال الزامات اجرایی این مسیر نیز بسیار پرهزینه و از سوی دیگر به احتمال زیاد بی‌اثر است. یکی از این الزامات که تاکنون نیز دنبال شده، تسلیح هفتمند اوکراین است. پدافند هوایی کارآمد علیه بمب‌های هدایت‌شونده و راکت‌ها، مهمات دوربرد، جنگنده‌های پیشرفته، ظرفیت پهپادی/اطلاعاتی و سلاح‌های دوربرد غربی علیه اهداف نظامی و زیرساختی در عمق پشتیبانی روسیه، همه امکاناتی است که باید به اوکراین داده شود تا در برابر روسیه با دست پر در میدان نظامی حاضر شود اما تجربه نشان داده کی‌یف به دلیل غرق شدن در فساد مالی و اداری و نظامی، نمی‌تواند از این امکانات بخوبی در برابر روسیه استفاده کند و از سوی دیگر کشورهای اروپایی نیز توان ارائه این امکانات را بدون کمک و همراهی آمریکا ندارند. ایالات متحده هم فعلاً عزمی برای این کار ندارد. یکی دیگر از الزامات به شکست کشاندن روسیه، تحریم‌های فرساینده و ثانویه است؛ این همان برنامه‌ای است که ترامپ بارها تهدید کرده اگر مذاکرات به صلح نینجامد، آن را اجرایی می‌کند اما به نظر می‌رسد خودش هم می‌داند این کار فایده چندانی برای تغییر دادن نظر پوتین برای ادامه جنگ ندارد. تشدید فشار بر انرژی و صادرات کلیدی روسیه، اعمال تحریم‌های ثانویه بر خریداران نفت و استفاده از دارایی‌های بلوکه‌شده برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی اوکراین، همه اقداماتی است که به نظر می‌رسد آمریکا می‌خواهد از آن برای ضربه زدن به اقتصاد روسیه استفاده کند. هدف، «ناممکن‌سازی تداوم جنگ با هزینه قابل تحمل» برای کرملین است. اروپایی‌ها نیز به صراحت افزایش فشار در غیاب آتش‌بس را وارد ادبیات رسمی کرده‌اند اما باید دید تا چه اندازه می‌توانند این کار را به صورت هماهنگ و دقیق پیش ببرند و این کار تا چه میزان روسیه را به چین نزدیک می‌کند؛ مساله‌ای که همه این موارد، باید چارچوب امنیتی بازدارنده‌ای نیز برای اوکراین ترسیم و طراحی شود که بتواند روسیه را از انجام عملیات‌های بیشتر علیه این کشور بازدارد. بحث درباره تضمین‌های «شبه ماده ۵» برای اوکراین در همین راستا مطرح شده است اما تجربه نشان می‌دهد بازدارندگی مؤثر بدون پیوند ساختاری به نهادهای غربی، شکننده است و البته این مساله نیز به روشنی در جامعه بین‌الملل دیده می‌شود که «هیچ‌کس نمی‌تواند روی وعده‌های آمریکا حساب باز کند».

۳- سناریوی سوم: جنگ فرسایشی بلندمدت؛ اگر شکاف رویکردی فرآلاتاتیک - بین «دیپلماسی کم‌فشار» و «فشار حداکثری» - ادامه یابد، محتمل‌ترین خروجی، تداوم جنگ فرسایشی است؛ تثبیت مواضع روسیه در شرق و جنوب و استمرار هزینه‌های اقتصادی - سیاسی برای اروپا و آمریکا در این حالت، «خستگی حمایتی» در غرب و فرصت‌بینی قدرت‌های میانه برای امتیازگیری ژئوپلیتیک افزایش می‌یابد. همزمان کی‌یف برای حفظ تاب‌آوری به جریان ثابثات تسلیحات و تضمین‌های امنیتی نیاز خواهد داشت. نشانه‌های مہمگرای سیاسی اروپا در واشنگتن برای پشتیبانی از زلنسکی، در واقع تلاشی برای جلوگیری از لغزش به همین مسیر فرسایشی است.

■ **آینده نظم جهانی زیر سایه مذاکرات اوکراین** روند فعلی گفت‌وگوها نشان می‌دهد نتایج احتمالی می‌تواند مختصات نظم جهانی را به شکلی بنیادین تغییر دهد؛ تغییری که عمده‌ا با اصول موجود و حاکمیت ملی کشورها در تضاد است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، عادی‌سازی مساله تجاوز به یک کشور و گرفتن بخشی از سرزمین تحت حاکمیت آن است. پذیرش مطالبات پوتین، از جمله واگذاری کامل منطقه دونباس و به رسمیت شناختن حاکمیت روسیه بر سرزمین‌های الحاق‌شده، می‌تواند پایه‌ای برای معماری امنیتی جدید اروپا شود. در چنین شرایطی، روسیه بدون مواجهه با فشار فوری با تحریم‌های جدید قادر به ادامه عملیات نظامی خواهد بود و این روند می‌تواند توازن قوا در اروپا و خطوط قرمز امنیتی را بازتعریف کند.

ابعاد دیگری که کارشناسان بین‌المللی درباره آن هشدار می‌دهند، تضعیف حقوق بین‌الملل و مشروعیت‌بخشی به بازنیوسی مرزهاست. اگر اوکراین مجبور به واگذاری سرزمین شود، این پیام را منتقل می‌کند که کشورها می‌توانند مرزهای بین‌المللی را با زور تغییر دهند؛ روندی که پایه‌های نظم بین‌الملل پس از جنگ دوم جهانی را تهدید می‌کند و سابقه‌ای خطرناک برای سایر بحران‌ها ایجاد می‌کند. علاوه بر این، بازگشت به سیاست قدرت به جای احترام به مساله «حق تعیین سرنوشت کشورهای کوچک»، یکی دیگر از پیامدهای محتمل است. کنار گذاشتن اوکراین از مذاکرات اولیه ترامپ - پوتین و امکان تصمیم‌گیری درباره آینده آن بدون مشارکت مستقیم، یادآور نمونه‌های تاریخی است که در آن قدرت‌های بزرگ بدون رضایت کشورهای کوچک، سرنوشت آنها را تعیین می‌کردند. این روند می‌تواند حاکمیت و استقلال کشورهای ضعیف‌تر را قابل معامله کند و اصول بنیادین روابط بین‌الملل را به چالش بکشد.

چارچوب امنیتی اروپایی نیز در معرض تغییر است. ارائه تضمین‌های امنیتی مشابه ناتو به جای عضویت کامل اوکراین، ممکن است تنها یک سازش ناقص باشد و اهداف بلندمدت امنیتی این کشور را تأمین نکند. چنین رویکردی به روسیه امکان می‌دهد همچنان بر جهت‌گیری ژئوپلیتیک اوکراین نفوذ داشته باشد و چارچوب امنیتی اروپا را به شکلی محدودتر بازتعریف کند.

آینده نظم بین‌الملل نه‌تنها به تصمیمات روسیه و آمریکا، بلکه به مقاومت و استراتژی کشورهای کوچک و متحدها منطقه‌ای آنها وابسته است. این تجربه نشان می‌دهد عدم رعایت منافع‌های بین‌المللی، پیامدهای فرامرزی و بلندمدتی دارد که فراتر از مرزهای اوکراین قابل مشاهده خواهد بود.



«وطن امروز» گزارش می‌دهد

روسیه، آمریکا و اروپا هر کدام چه اهدافی را در مذاکرات اخیر جنگ اوکراین دنبال می‌کنند؟

کلاف کی‌یف

و بدون هیچ انعطافی بر خواسته‌های حداکثری خود با فشرد و آنها را جزو خطوط قرمز روسیه دانست که بدون رعایت آن، هیچ مذاکراتی برای صلح شکل نخواهد گرفت. تحلیلگران معتقدند او در این نشست موفق شد ترامپ را نسبت به ضرورت رسیدگی به «علل ریشه‌ای جنگ» - به تعبیر روسیه یعنی خلع سلاح اوکراین و بی‌طرف‌سازی آن - متقاعد کند.

■ **سناریوهای پیش رو بعد از نشست آلاسکا** سناریوهای پیش روی غرب برای مواجهه با پوتین در ماجرای جنگ اوکراین به نظر می‌رسد بر ۳ محور اصلی متمرکز باشد: فشار، بازدارندگی میدانی از مسیر تسلیح اوکراین و چارچوب امنیتی نهایی.

مجموعه‌ای از رهبران اروپایی - از پاریس تا برلین و لندن - همزمان با حضور ولودیمیر زلنسکی در واشنگتن، بر اصل «تصمیم نگرفتن برای اوکراین بدون حضور اوکراین» و لزوم حمایت نظامی - سیاسی روشن از کی‌یف تأکید کردند. پیام مشترک آنان برای ترامپ که حالا نظرات پوتین را در رسانه‌ها منعکس می‌کند این است: اگر آتش‌بس حاصل نشود، باید فشارها بر روسیه افزایش یابد و امنیت اوکراین با تضمین‌های سختگیرانه تقویت شود. سناریوهای پیش رو و احتمالی برای آینده جنگ اوکراین به قرار زیر است:

۱- **سناریوی اول: دیپلماسی کم‌فشار و «صلح متزلزل»:** اگر مسیر کنونی تأکید بر «توافق جامع» بدون تشدید همزمان فشار اقتصادی - نظامی ادامه یابد، احتمال شکل‌گیری «وقفه‌های مذاکراتی» و توافق‌های محدود وجود دارد اما تحلیلگران غربی معتقدند تجربه نشان می‌دهد چنین توقف‌هایی غالباً به «مینسک جدید» بدل می‌شود؛ آتش‌بسی‌هایی که به روسیه فرصت بازسازی می‌دهد و پایداری نمی‌آفریند. تحلیل‌های بنیاد ISW درباره «چرخه مینسک» صراحتاً هشدار می‌دهد امتیازدهی به امید «خروج آبرومندانه» برای مسکو، نه‌تنها پایدار نیست، بلکه به بازتولید جنگ منجر می‌شود.

۲- **سناریوی دوم: فشار حداکثری** برای تغییر محاسبات کرملین: برخی کارشناسان اروپایی اما بر این عقیده‌اند پایان جنگ، نه پشت میز مذاکره، بلکه در میدان نبرد رقم می‌خورد؛ یعنی باید محاسبه هزینه - فایده پوتین را با «ترکیب فشار اقتصادی و توان‌افزایی نظامی اوکراین» دگرگون کرد. رابرت

پرسن در مجله «ژورنال فور دموکراسی» تصریح می‌کند مدل‌های پایان جنگ، درگیری با «مسائل تقسیم‌ناپذیر» را مستعد شکست مذاکرات می‌دانند و پیروزی/شکست میدانی تعیین‌کننده است. ارزیابی‌های ISW در این راستا ۲ نکته کلیدی را برجسته می‌کند: نخست، روسیه «مصمم به امتیازگیری از ضعف» است و سازش را نشانه ضعف می‌خواند؛ دوم، اوکراین هرگاه به قدر کافی مسلح شده، موفق به عقب زدن عملیات روسیه شده است؛ از دفاع کی‌یف در بهار ۲۰۲۲ تا کنندکردن ریتم آفندهای بعدی. نتیجه سیاستی ISW روشن است: برای پایان پایدار جنگ، باید پوتین را به پذیرش شکست واداشت؛ نه اینکه برایش «جاده هموار خروج» ساخت. البته این مسیر یک بار توسط کشورهای اروپایی و دولت بایدن در پی گرفته شد و دستاوردها تنها چند بار حملات پهپادی به مسکو با هدف قرار دادن منافع این کشور در نقاط مختلف بود که در نهایت نتوانست پوتین را وادار کند شکست در این جنگ را بپذیرد. ترامپ بر همین اساس، این راهکار برای پایان جنگ را بی‌فایده و پرهزینه می‌داند و مایل است جنگ به صلحی دائمی منتهی شود، حتی اگر منافع اوکراین در این میان نادیده گرفته شود.

اعطای خاک به روسیه را غیر قانونی می‌داند. او بخوبی می‌داند دادن سرزمین به روسیه به معنای نابودی شغل، شهرت و قدرتش است و در نهایت او را در تاریخ اوکراین نه به عنوان قهرمانی جنگی - که تصور می‌کرد تا به امروز بوده است - بلکه به عنوان کسی که ۲۰ درصد از خاک کشورش را به کشور بیگانه اعطا کرد، می‌شناسند. همین تصورات و تبعات باعث شده زلنسکی ملاحظات زیادی برای رسیدن به توافق داشته باشد و بر همین مبنا، کار برای دولت ترامپ نیز بشدت سخت می‌شود. ترامپ البته وعده داده آمریکا پس از پایان جنگ می‌تواند تضمین‌های امنیتی معتبری برای اوکراین فراهم کند. فرستاده ویژه او، استیو ویتکاف، حتی از «تضمین‌های امنیتی قوی و دگرگون‌کننده» سخن گفت که ممکن است زمانی مشابه ماده ۵ ناتو داشته باشد و به عنوان جایگزین عضویت اوکراین در ناتو مطرح شود. ترامپ در مقابل، از مواضع سخت پیشین درباره تحریم‌های جدید علیه مسکو عقب‌نشینی کرد و گفت به دلیل پیشرفت‌های حاصل‌شده در نشست، فعلاً نیازی به فکر کردن به این گزینه‌ها نمی‌بیند. این مساله با انتقاد کارشناسان مواجه شد که آن را نوعی «امتیاز رایگان» به پوتین و تضعیف اهرم فشار غرب بر روسیه قلمداد کردند. برخی رسانه‌ها پا را فراتر از این گذاشته و ادعا کردند او به آلاسکا رفته بود تا یک عکس یادگاری با پوتین بگیرد و درباره تقلب شدن در انتخابات ۲۰۲۰ حرف بزند و کار را تنها با یک دستاورد شخصی در مقابل بایدن خاتمه دهد!

او اگر نتواند رهبران اروپایی را درباره شرایط صلح با روسیه قانع کند هم در نهایت به چیزی که می‌خواسته رسیده است. ترامپ می‌خواست عنوان کند از هیچ تازشی برای ایجاد صلح در اوکراین کوتاهی نکرده و شایسته دریافت جایزه صلح نوبل است. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران معتقدند او این حرکات صلح‌طلبانه را تنها تا ماه اکتبر سال جاری میلادی و زمان اعلام نهایی برنده جایزه صلح نوبل ادامه می‌دهد و پس از آن در صورتی که این جایزه را تصاحب نکند، دست به اقداماتی در عرصه بین‌المللی می‌زند که هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند.

■ **دستاوردهای روسیه از این دیدار چه بود؟** کسب مشروعیت دیپلماتیک در دیدگاه رسانه و سیاستمداران غربی، مهم‌ترین دستاورد سفر پوتین به آلاسکا بود. حضور پوتین در خاک آمریکا و دیدار رسمی با رئیس‌جمهور ایالات متحده، آن هم در شرایطی که او در بخش بزرگی از جهان غرب به دلیل جنگ اوکراین و اتهام ارتکاب جنایات جنگی به انزوا کشانده شده و تحریم‌های بین‌المللی زیادی علیه او به ثبت رسیده است، یک پیروزی بزرگ نمادین برای کرملین بود. رسانه‌های روسی این دیدار را نشانه‌ای از پایان انزوا بین‌المللی مسکو دانستند.

یکی دیگر از مهم‌ترین امتیازهایی که روسیه به دست آورد، تغییر موضع دونالد ترامپ از تأکید بر آتش‌بس فوری به اولویت‌بخشی به یک توافق صلح جامع بود؛ رویکردی که به پوتین امکان می‌دهد بدون توقف عملیات نظامی، زمان بیشتری برای فرسایش اوکراین در جبهه نبرد به دست آورد. این مساله پیش از این نیز با واکنش زلنسکی روبه‌رو شده بود. زلنسکی معتقد است این اقدام به روسیه فرصت کافی برای ادامه عملیات نظامی در اوکراین را داده و تنها به افزایش آمار کشته‌شدگان جنگ در اوکراین کمک می‌کند. این در شرایطی است که در همین مدت زمانی که مذاکرات به پیش می‌رود تا «صلح» برقرار شود، کاهش فشار تحریمی غرب علیه روسیه یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار بر کرملین برای پایان دادن جنگ را از بین می‌برد. تحلیلگران این امتیاز را «پیروزی بزرگ» پوتین دانستند که به او اجازه می‌دهد جنگ را بدون هراس از تحریم‌های غربی ادامه دهد. در این جلسه همچنین پوتین با اعتماد به نفس کامل

از سوی دیگر، کی‌یف واکنشی محتاط اما منفی نشان داد. زلنسکی تأکید کرد واگذاری سرزمین، خلاف قانون اساسی اوکراین است و ادامه حملات روسیه نشانه‌ای از بی‌اعتنایی مسکو به صلح به شمار می‌رود. او دیروز در واشنگتن با ترامپ دیدار کرد تا موضع اوکراین را مستقیم بیان کند.

واکنش اروپا نیز دوگانه بود. برخی رهبران اروپایی تلاش ترامپ را گامی در مسیر حل بحران دانستند اما گروهی دیگر - بویژه کشورهای حوزه بالتیک و نوردیک - «هیچ تضمینی درباره اوکراین بدون حضور اوکراین» تأکید کرده و هشدار دادند هرگونه توافق یک‌جانبه می‌تواند وحدت غرب را در برابر روسیه متزلزل کند. اگرچه بیشتر کشورهای اروپایی از ایده «زمین در برابر» صلح انتقاد کردند و آن را مخالف منافع ملی خود در مقابل روسیه دانستند اما بر اساس گزارش‌های منتشر شده، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از این ایده تا حدی استقبال کرده است. منتقدان آمریکایی و اروپایی معتقدند رویکرد ترامپ، با تعلیق تحریم‌های تازه علیه روسیه، عملاً به پوتین انگیزه بیشتری برای ادامه جنگ می‌دهد. به باور این تحلیلگران، تضاد بنیادی میان دموکراسی اوکراین و اقتدارگرایی روسیه، دستایی به یک توافق پایدار را ناممکن می‌کند.

ترامپ در پایان نشست اعلام کرد قصد دارد تا هفته آینده، یک دیدار سه‌جانبه با حضور خود، پوتین و زلنسکی ترتیب دهد. تحقق این وعده، به نتایج دیدار او با رئیس‌جمهور اوکراین وابسته خواهد بود. البته کشورهای

اروپایی که بشدت نگران اعمال فشار آمریکا بر زلنسکی برای پذیرش پیشنهاد صلح بودند، در گفت‌وگوی تلفنی ترامپ و زلنسکی که بلافاصله بعد از جلسه در هواپیمای «ایرفورس وان» برگزار شد، شرکت کردند و بعد از آن نیز به رسانه‌ها اعلام کردند زلنسکی را به تنهایی به کاخ سفید نمی‌فرستند و خودشان هم در جلسه با ترامپ حضور پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد علاوه بر شخص زلنسکی، رهبران اروپایی هم از دیدار قبلی زلنسکی با ترامپ و تحقیر شدن او در اتاق بیضی خاطره خوشی ندارند!

■ **هدف ترامپ از نشست آلاسکا: از عکس یادگاری تا صلح واقعی**

مواضع دونالد ترامپ در قبال جنگ اوکراین و رابطه او با ولادیمیر پوتین، طی ماه‌های گذشته بویژه پس از نشست آلاسکا، فراز و فرودهای قابل توجهی داشته است. ترامپ از ابتدای کارزار انتخاباتی خود جنگ اوکراین را «جنگ احمقانه بایدن» خوانده است و بارها وعده داده بود می‌تواند آن را ظرف ۲۴ ساعت پس از ورود به کاخ سفید پایان دهد. او جنگ را نتیجه مستقیم سیاست‌های دولت بایدن می‌داند و همواره بر ضرورت پایان سریع آن تأکید کرده است. با این حال، تغییر مهمی پس از دیدار با پوتین در آلاسکا رخ داد. ترامپ در این نشست اعلام کرد اولویت خود را نه آتش‌بس، بلکه دستیابی به یک توافق صلح جامع قرار می‌دهد؛ تغییری که به وضوح با نگاه کرملین هماهنگ‌تر است. او پیش‌تر گفته بود اگر از نشست بدون آتش‌بس خارج شود «راضی نخواهد بود» اما اکنون رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده است.

ترامپ به صراحت از شرایطی سخن گفته که پوتین برای پایان جنگ مطرح کرده است. البته بعد از صحبت با رهبران اروپایی کمی مواضع خود را ملایم‌تر کرد اما در نهایت توصیه صریح ترامپ به زلنسکی نیز این بود که «توافق کند» چرا که به گفته او «روسیه یک قدرت بسیار بزرگ است و اوکراین نیست». زلنسکی در مقابل،

دیدار رو در روی دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، جمعه گذشته در شهر انکوریدج آلاسکا برگزار شد؛ نشستی که با وجود غیبت ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین

و حاشیه‌های زیادی که درباره آن وجود داشت، به تیتیر یک بسیاری از رسانه‌های دنیا تبدیل شد. این ملاقات نه‌تنها به دلیل مکان پر گزاری یعنی آلاسکا - سرزمینی که پیش از این متعلق به روسیه بود و به آمریکا فروخته شد - بلکه به دلیل تغییر آشکار در رویکرد واشنگتن نسبت به جنگ اوکراین اهمیت ویژه‌ای یافت.

تا قبل از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، سیاست اصلی ایالات متحده در زمان ریاست‌جمهوری بایدن، کمک‌های فوری و بی‌قید و شرط نظامی و امنیتی و اطلاعاتی به کی‌یف برای رویارویی با روسیه بود. ایالات متحده در همراهی کامل با کشورهای اروپایی، سخت‌ترین تحریم‌ها را علیه مسکو اعمال کرد و در عین حال با ارسال تجهیزات نظامی نوین، در تلاش بود از میزان پیشروی روسیه در خاک اوکراین کم کند. با این حال کل تجهیزات و سلاح‌های نوین آمریکا و اروپا و همه تحریم‌ها نتوانست جلوی پیشرفت روسیه را در این جنگ بگیرد یا حتی به قول آمریکایی‌ها ماشین جنگی روس‌ها را از کار بیندازد. حالا بعد از گذشت حدود ۳ سال و نیم از جنگ روسیه و اوکراین، آمریکا برای کاستن از حجم هزینه‌های اضافه خود در جنگ‌های بی‌پایان و بی‌دلیلش،

به دنبال راهکاری برای خروج از این شرایط در اوکراین است؛ راهکاری که شاید تن دادن به شروط روسیه نیز جزو آن باشد!

ترامپ بر همین اساس در این دیدار بر خلاف مواضع پیشین خود، دیگر بر یک آتش‌بس فوری اصرار نکرد و به جای آن، دستیایی به یک توافق صلح جامع را در اولویت قرار داد. این همان چیزی بود که پوتین بارها درباره آن صحبت کرده بود. رئیس‌جمهور روسیه می‌خواهد کار را یک بار و برای همیشه تمام کند و دیگر احساس نکند تهدیدی غربی در کنار مرزهایش وجود دارد. این چرخش راهبردی آشکار در سیاست ترامپ اما همسویی بیشتری با نگاه کرملین نشان می‌دهد و با عصبانیت اروپایی‌ها همراه شده است.

■ **در جلسه ترامپ و پوتین چه گذشت؟** مطابق گزارش‌های منتشرشده در این جلسه ۳ ساعته، پوتین شروط خود را برای پایان جنگ برشمرده است: الحاق کامل منطقه دونباس به روسیه، تثبیت خطوط نبرد کنونی در خرسون و زاپوریژیا، خلع سلاح نسبی اوکراین و رها کردن رویای پیوستن اوکراین به ناتو یا اتحادیه اروپایی. در مقابل، کرملین وعده داده است درباره برخی تضمین‌های امنیتی برای اوکراین گفت‌وگو کند اما هرگونه حضور مستقیم نیروهای ناتو در این چارچوب را مردود می‌داند.

ترامپ نشست را «۱۰۰٪» توصیف کرد و مدعی شد پیشرفت‌های جدی حاصل شده است. او حتی به زلنسکی توصیه کرد «به توافق تن دهد» و از آمادگی خود برای اعطای تضمین‌های امنیتی آمریکا به اوکراین پس از پایان جنگ سخن گفت. این مواضع از سوی رسانه‌های روسی به عنوان پیروزی بزرگ پوتین بازتاب یافت، چرا که مسکو توانست خود را در قامت یک قدرت غیرمنزوی و دارای شریک مذاکره در بالاترین سطح نشان دهد.



نماینه اکوان

روند فعلی گفت‌وگوها نشان می‌دهد نتایج احتمالی می‌تواند مختصات نظم جهانی را به شکلی بنیادین تغییر دهد؛ تغییری که عمدتاً با اصول موجود و حاکمیت ملی کشورها در تضاد است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، عادی‌سازی مساله تجاوز به یک کشور و گرفتن بخشی از سرزمین تحت حاکمیت آن است. پذیرش مطالبات پوتین، از جمله واگذاری کامل منطقه دونباس و به رسمیت شناختن حاکمیت روسیه بر سرزمین‌های الحاق‌شده، می‌تواند پایه‌ای برای معماری امنیتی جدید اروپا شود